

سند/ وقتی سایه بیگانگان بر تصمیمات کشور سنگینی می کرد

۲۰ آبان ۱۴۰۴ ساعت ۱۷:۰۲

سند منتشرشده امروز پرده از ذهنیتی می بردارد که در آن، رجال عصر پهلوی باور چندانی به توان استقلال و اراده ملی نداشتند. آنان در فضایی آکنده از ترس و وابستگی، همه چیز را به خواست بیگانگان گره زده بودند و در برابر نفوذ خارجی، خود را ناتوان می دیدند. روایت احمد آرامش از «در بند بودن همیشگی ایرانیان در قید قدرت های غربی»، تصویری روشن از کشاکش جناح های وفادار به انگلیس و آمریکا در ساختار قدرت آن دوران ارائه می دهد.

این اسناد نشان می دهد که ترس از بیگانگان چنان در ذهن و ضمیر رجال عصر پهلوی رسوخ کرده بود که قادر به ارائه هیچگونه راهکار مستقلی برای اوضاع کشور نبودند و همه ی تحولات کشور را منوط به اراده ی بیگانگان می دانستند. متأسفانه عدم خودباوری و اعتقاد به فعال مایشاء بودن بیگانگان، نهایتاً منجر به پرورش رجالی گردید که خود را فاقد اراده در برابر بیگانگان می دانستند. در بخشی از این سند به نقل از «احمد آرامش» آمده است: «ما [ایرانیان] همیشه در قید انگلیسی ها بوده و خواهیم بود ولی باز هم خدا پدر آن ها را بیامرزد چون آمریکایی ها هم نفت، هم سرمایه، هم نیروی انسانی و هم تولید کشاورزی ما را از بین برده و می برند.» این اظهارات ادامه تلاش جناح انگلیسی برای مقابله با تسلط جریان طرفدار آمریکا می باشد.

موضوع: آقای احمد آرامش

آقای احمد آرامش در یک جلسه خصوصی اظهاراتی بشرح زیر نموده است:

درباره آقای مهندس شریف امامی گفت ما با اینکه قوم و خویش هستیم ولی در مثنی سیاسی در یک جهت نبوده مخصوصاً از موقعی که سناتور شده و باصطلاح سوار کار گردیده است دیگر حتی ملاقات هم با یکدیگر ننموده ایم.

کتابخانه ملی افغانستان

کتاب: ...

نویسنده: ...

موضوع: ...

تاریخ: ...

محل: ...

شماره: ...

کتابخانه ملی افغانستان

کتاب: ...

نویسنده: ...

موضوع: ...

تاریخ: ...

محل: ...

شماره: ...

کتابخانه ملی افغانستان

کتاب: ...

نویسنده: ...

موضوع: ...

تاریخ: ...

محل: ...

شماره: ...

سپس نامبرده در مورد اوضاع عمومی اظهار نظر کرده گفت ما همیشه در قید انگلیسی ها بوده و خواهیم بود ولی باز هم خدا پدر آنها را بیمارزد چون امریکاییها هم نفت هم سرمایه هم نیروی انسانی و هم تولید کشاورزی ما را از بین برده و می برند فقط چون کشور ما نفت دارد معتقدند عده ای مثل سایر کشورهای مشابه حقوق بگیر باشند و پس برای آنان هیچ مانعی هم نیست که ما گوشت - تخم مرغ - گندم - لباس حتی

سبزی و پیازچه مورد احتیاج خود را هم از خارج وارد کنیم. نامبرده اضافه نمود دعوای انتخابات تمام شده و امریکاییها خیال کرده اند که آن را برده اند در ظاهر هم چنین وانمود شده است ولی سیاست انگلستان که همیشه بالای سر ما سایه افکنده غیر از این پائیات رسانیده است. امریکاییها از این آمدن ها و رفتن های اخیر مخصوصاً زرنال دوگل که آن همه احترام و تشریفات نسبت به وی بجا آمد بسیار ناراضی بودند انگلیس ها دارند ما را بطرف اروپا می کشانند و معتقدند اگر قرار باشد وامی به ما داده شود از جانب اروپایی بایستی باشد تا این کیفیت کم کم

ملل اروپایی جای امریکایی‌ها را در این سرزمین بگیرند و خلاصه نقشه انگلستان این است که امریکاییها حداکثر تا سال ۱۹۶۵ از این سرزمین خارج شوند.

در مورد سازمان برنامه معتقد بود سازمان پول حرام کن است ثروت کشور به طور افراط و تفریط در آن از بین می‌رود و به عبارت دیگر منافع نفت ما برگشت می‌شود به همان کشورهای خریدار نفت. در مورد بیکاری آرامش گفت این موضوع یک امر وحشتناکی شده که امروزه دامنگیر همه ملل بزرگ می‌باشد و

بطور کلی از آن ترس دارند. کارگر امریکایی بایستی کار داشته باشد تا صدایش در نیاید و بنا به سیاست آنها ما بایستی محتاج به آنها باشیم تا در نتیجه دستگاه اقتصادی آنها کماکان در گردش باشد و شاید به ما روزی برسد البته در مقابل انگلیس مایل نیست که امریکا این همه اعمال قدرت در کشورهای کوچک داشته باشد ولی چون اغلب ریش خودش گیر است نمی‌تواند زیاد در این موضوع سماجت کند. نامبرده پیش



از صحبت‌های خود نتیجه گرفت که افرادی از قبیل دکتر اقبال، اصفیا و علم نمی‌توانند از خودشان اراده داشته باشند بلکه مهره شطرنجی بوده که مغز متفکر و کارگران دیگری در پس پرده آنها را پس و پیش می‌کنند. آرامش اضافه کرد می‌خواهند با گروگذاردن نفت توجه اروپاییها را به سوی ما جلب نمایند تا با این طریق بازار معامله را با ما افتتاح کنند. انگلستان هم که خودش خریدار بعضی کالا بوده در این میان برای مارل دلال را بازی کرده با توجه به اینکه از هر دلال دیگر بیشتر سود می‌برد علی‌الظاهر خدمتگزار ما شده است با این انگیزه می‌بینیم

که مهره‌ها یکی پس از دیگری تعویض می‌شوند یعنی انتظام می‌رود غلام جان‌نثار می‌آید. علاء می‌رود قدس نخعی می‌آید و به دنبال آن باند انگلیس همه جا را مسخر می‌کند با این عمل شاه را محصور کرده و مرتباً همه را به بازی می‌دهد و در نتیجه بازی کن خوبی هم شده ولی باشد روزی که مجبور به مات شدن بشود. می‌گویند شاه گفته است اغلب وکلاء را نمی‌شناسم در صورتی که من معتقدم این طرز انتخابات تراوش فکر خود شاه بوده پس چطور ممکن است شاه وکلاء را شناخته باشد. شاه در این انتخابات انجام دهنده بوده نه مغز متفکر. خدا آخر و عاقبت مملکت را بخیر گرداند.

آرامش معتقد بود در دستگاه‌های بزرگ دولتی تغییرات اساسی دیگری هم رخ خواهد داد اگر ما از اول با روس‌ها بدون واسطه کنار آمده بودیم بطور قطع و یقین امروز بهتر از هر کشور دیگری می‌توانستیم از وام‌های بلاعوض آمریکا استفاده کنیم و این همه منت نکشیم. علاء یا اقبال یا قدس یا منصور و غیره خود شاه هم ممکن است ندانند که وسیله و آلت خیانت به این کشور می‌باشند باید بدانیم امریکاییها ارتشبد هدایت را محاکمه می‌کنند نه دستگاه خسروانی. بدیهی است پس فردا هم نوبت دیگران فرا می‌رسد. کشتن طیب و غیره بایستی انجام پذیرد تا اسراری در زیر خاک باقی نماند.

درباره تشکیل جلسات گروه ترقیخواه مذاکره شد گفت حالا که حکومت نظامی برچیده شد سعی می‌کنیم دوستان را جمع نموده و با وضع و طرز بهتری بشرط آنکه خود دوستان هم همتی از خود نشان دهند برنامه‌ها و طرحهای خود را بررسی و دنبال نماییم. اعتماد از همه سلب شده و موقعی دوستان بی دلیل دور هم جمع می‌شوند و زمانی هم بی جهت متفرق و پراکنده می‌گردند. من بخودم اعتماد دارم و مطمئنم در دادن طرح و برنامه هیچ‌گاه اشتباه نمی‌کنم و پیوسته هم جور فعالیت کرده و خواهم کرد نبایستی نشست تا خدا روزی دهد و تقدیر سرنوشت ما را تعیین نماید بلکه بایستی جنبید و پیش رفت.

آدرس مطلب :

<https://www.cafetari.kh.com/news/۵۰۲۴۳/سند-وقتی-سایه-پیگانگان-تصمیمات-کشور-سنگینی-کرد-می-سنگینی-کشور-تصمیمات-پیگانگان-سایه-وقتی-سند>